رویاهایی که می‌آیند

ساسان گلفر
cinemaglobe.blogfa.com

زمانی برای حمله فضایی‌ها

■ بیگانه‌های فضایی این روزها فرصت پیدا کرده‌اند که بتازند. حتی اگر طبق معمول نتوانند زمین را تسخیر کنند، لااقل می‌توانند به این دلخوش کنند که پرده سینما در اختیارشان است و دو ساعتی برای تاخت و تاز فرصت دارند. در این هفته بیگانه‌ها با «نبرد: لس آنجلس» و «مریخ به مادران نیاز دارد» دست به تهاجم زده‌اند و البته گرگ نماها هم بیکار ننشسته‌اند و با «شنل قرمزی» به میدان آمده‌اند و فیلمسازان مستقل هم با دست پر وارد شده‌اند و غیر از «کپی برابر اصل» عباس کیارستمی و فیلم ۳۰۰ هزار دلاری «۳ حیاط خلوت»، چند فیلم دیگر روانه پرده کرده‌اند که چهارشنبه در همین صفحه معرفی خواهند شد.

■■■

سه حیاط خلوت
3Backyards

■ اریک مندلسن، نویسنده و کارگردان این فیلم تنها کسی است که در تاریخ جشنواره ساندنس توانسته است دو بار برنده جایزه کارگردانی شود. در فیلم تازه‌اش که فقط با بودجه ۳۰۰ هزار دلار ساخته شده است، زندگی سه نفر از ساکنان حومه شهر نیویورک در یک روز پاییزی را به یکدیگر پیوند می‌دهد: یک تاجر، دختربچه‌ای که جواهرات مادرش را دزدیده و یک زن خانه‌دار. الیاس کوتاس، ریچل رشف و ادی فالکون بازیگران این درام ۸۸ دقیقه‌ای دارای درجه‌بندی R هستند.

مریخ به مادران نیاز دارد
Mars Needs Moms

■ در این انیمیشن پرماجرا که سایمون ولز نوشته و کارگردانی کرده است، پسری ۹ ساله به نام میلو (با صداپیشگی ست گرین) هنگامی که مادرش (جوآن کیوزاک) توسط مریخی‌ها ربوده می‌شود که قصد دارند «حس مادری» او را برای کودکان خودشان مصادره کنند، متوجه می‌شود که تا چه اندازه نیازمند مادر خود است. میلو وارد یک سفر پر خطر می‌شود و در این جست و جو سر از سفینه فضایی در می‌آورد. این فیلم ۸۸ دقیقه‌ای بر اساس کتابی نوشته برکلی بریهد توسط شرکت ایمیج موورز متعلق به رابرت زمکیس تهیه شده و دیزنی پخش آن را بر عهده داشته است. دن فوگلر و میندی استرلینگ از دیگر صداپیشگان این فیلم هستند.

شنل قرمزی
Red Riding Hood

■ نسخه ترسناکی از داستان کودکانه مشهور با فیلمنامه دیوید لسلی جانسن و به کارگردانی کاترین هاردویک را شرکت وارنر تولید کرده است. آماندا زایفرید در این فیلم نقش والری شنل قرمز را دارد که پدر و مادرش می‌خواهند او را شوهر بدهند در حالیکه دلباخته شخص دیگری است. در همین حال گرگ نماها خواهر والری را می‌کشند و او برای انتقام به یک شکارچی (گری اولدمن) مراجعه می‌کند. با زیاد شدن تعداد قربانیان، والری به نزدیکان خود شک می‌کند. ویرجینیا مدسن و جولی کریستی نیز در فیلم حضور دارند.

نبرد: لس آنجلس
Battle: Los Angeles

■ نیروهایی ناشناخته از سیاراتی دیگر به زمین هجوم آورده‌اند. مردم سراسر جهان شاهد سقوط و نابودی شهرهای بزرگشان هستند و لس آنجلس به آخرین پایگاه مقاومت نسل بشر تبدیل شده است و نبردی نابرابر در این شهر اتفاق می‌افتد که یک گروهبان (آرون اکهارت) و جوخه تحت فرمان وی نقشی کلیدی در آن دارند. این فیلم به کارگردانی جاناتان لاییزمن و با فیلمنامه کریس برتولینی ۱۰۰ از بودجه‌ای میلیون دلاری بهره‌مند بوده است. میشل رودریگز، رامون رودریگز، مایکل پنیا، نزینگا بلیک و بریجیت موینا‌هان از دیگر بازیگران این اکشن دلهره آور علمی-تخیلی ۱۱۶ دقیقه‌ای هستند که به علت وجود صحنه‌های خشن با درجه‌بندی پی جی ۱۳ به نمایش درآمده است.

بیگانگان فضایی هالیوود در عرصه تحولات سیاسی و اجتماعی

فراسوی نیک و بد

سیدحسام فروزان

رونالد ریگان رییس جمهور اسبق ایالات متحده، که خود ریشه در هالیوود داشت، سال ۱۹۸۷ در سه سخنرانی به موضوع حمله بیگانگان اشاره کرده و گفته بود در صورت حمله بیگانگان فضایی شهروندان جهان باید برای مقابله با آنها متحد شوند. دوازده سال بعد، بیل کلینتون هم گفت: «اگر بیگانگان حمله کنند مثل بازی‌های ویدیویی با آنها مبارزه می‌کنیم.» شاید حالا که صدواندی سال از عمر سینما گذشته است موضوع حمله بیگانگان فضایی به زمین موضوعی عادی باشد؛ از دهه ۱۹۵۰ به این طرف آنقدر فیلم راجع به این موضوع در هالیوود ساخته شده و رسانه‌ها به آن پرداخته‌اند که احتمالا عموم تماشاگران سینما باور کرده‌اند که موجودات فضایی وجود دارند و روزی به زمین ما حمله می‌کنند. فیلم‌هایی که به بیگانگان فضایی می‌پردازند امروز زیرگونه‌ای از ژانر علمی-تخیلی هستند و تماشاگران سینما خیلی راحت این فیلم‌ها را هم کنار دیگر آثار سینمایی می‌بینند و می‌گذرند. تماشاگر جدی امروز که خیلی فیلم‌دیده و مختصری از تاریخ سینما را در ذهن دارد و دیگر هر فیلمسازی نمی‌تواند روی او تأثیر بگذارد، می‌تواند پرسش‌های چالش‌برانگیزی بپرسد که کل ماجرا را زیرسوال می‌برد. پرسش‌هایی از این قبیل که هالیوود تاکی قرار است از موضوع تهاجم بیگانگان به زمین استفاده کند؟ آیا واقعا بیگانگان احتمالی دشمن مردم زمین هستند؟ اگر بیگانگان از نیم قرن پیش انرژی هسته‌ای داشته‌اند و می‌توانستند زمین را نابود کنند چرا تا به حال این کار را نکرده‌اند؟ البته واضح است که چنین پرسش‌هایی در هالیوود راه به جایی نمی‌برد و آنچه مهم است فروش بالا در گیشه است و اینکه تا حد ممکن از یک سوژه بهره‌برداری اقتصادی شود. اما برای اینکه بدانیم فیلم‌های علمی-تخیلی که در سال‌های اخیر ساخته شده‌اند و موضوع محوری‌شان کماکان بیگانگان فضایی هستند، چه سابقه‌ای دارند و از کجا نشأت گرفته‌اند، بد نیست لااقل پنجاه سالی به عقب برگردیم.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، از سال ۱۹۴۶ دوران هماوردی دو بلوک شرق و غرب که به «جنگ سرد» شهرت یافت آغاز شد و تا سال ۱۹۹۱ ادامه پیدا کرد. آمریکا و شوروی به عنوان دو ابرقدرت بازمانده از جنگ جهانی دوم در دو سوی این جبهه قرار گرفتند. آمریکا و متحدانش نماینده سرمایه‌داری و لیبرالیسم بودند و شوروی و همراهانش برای ترویج کمونیسم و مرام اشتراکی تلاش می‌کردند. اصطلاح جنگ سرد را اولین بار «جورج ارول» به کار برد، برای اشاره به دورانی که جنگ ظاهری و درگیری واقعی میان ابرقدرت‌ها اتفاق نمی‌افتد اما در طول این دوره رقابت میان این دو ابرقدرت در عرصه‌های گوناگون مانند اتحاد نظامی، ایدئولوژی، روانشناسی، جاسوسی، ورزش، تجهیزات نظامی، صنعت و توسعه فناوری ادامه داشت. این رقابت‌ها پیامدهایی مانند مسابقات فضایی، پرداخت هزینه‌های گزاف دفاعی، مسابقات جنگ‌افزار هسته‌ای و تعدادی جنگ‌های غیرمستقیم به دنبال داشت. در دهه پنجاه فضای اجتماعی و سیاسی آمریکا به شدت رادیکالیزه بود. سناتور «جوزف مک کارتی» کمیته مبارزه با فعالیت‌های ضدآمریکایی را راه انداخت و بسیاری از هنرمندان را گرفتار کرد. سیاست‌های او و همفکرانش باعث شد موجی از عوامفریبی، شغلی، مخالفت با روشنفکران، فضای اجتماعی دهه ۱۹۵۰ آمریکا را دربرگیرد. بسیاری از افراد به ویژه روشنفکران، به اتهام کمونیست بودن شغل خود را از دست دادند و به طرق مختلف آزار و اذیت شدند. نکته جالب توجه البته، شباهت زیاد این مبارزه ضد کمونیستی با روش‌های مرسوم در کشورهای کمونیستی بود. در آن زمان نظام استودیویی بر صنعت فیلمسازی آمریکا حاکم بود و همه مراحل تولید از خرید داستان تا اکران تحت کنترل مستقیم استودیو انجام می‌گرفت. مدیران استودیوهای بزرگ مجبور شدند برای اثبات «آمریکایی» بودن خودشان افرادی که در لیست سیاه مک کارتی بودند را اخراج کنند. در ادامه همین روند مدیران استودیوهای بزرگ به سمت ساختن فیلم‌های ضد کمونیستی رفتند که با سیاست‌های رسمی همخوانی داشت و خطر گسترش کمونیسم را به جامعه گوشزد می‌کرد. انبوهی از فیلم‌های درجه دو ساخته شد که ترس از کمونیسم در داستان‌شان تنیده شده بود. این فیلم‌ها شهروندان آمریکایی را نشان می‌دادند که با آژانس‌های مخفی شوروی همکاری می‌کردند و این ایده را تقویت می‌کردند که شوروی نفوذ زیادی در آمریکا دارد. جالب اینجاست که بیشتر فیلم‌های این دوران نتوانستند به پروپاگاندای ضد بلوک شرق کمکی کنند و نه تریلرهای سیاسی جذابی از کار درآمدند. در یکی از بهترین فیلم‌های این دوران امروز به عنوان فیلم نوآر کلاسیک شناخته می‌شود، «جیب بر خیابان جنوب» (ساموئل فولر، ۱۹۵۳)، جیب‌بری حرفه‌ای را می‌بینیم که کیفی را می‌دزدد که حاوی اسناد و اطلاعات علمی مهمی است. این دزدی باعث می‌شود ماموران امنیتی آمریکا و همینطور جاسوسان و عوامل شوروی وارد ماجرا شوند تا اطلاعات را به دست بیاورند.

اتفاقاتی روی می‌دهد که هیچکدام از طرفین ماجرا از آن سردر نمی‌آورند و قدرتی ماورای آنها دست‌اندرکار است. جیب‌بر با اینکه موضع‌گیری سیاسی ندارد در نهایت تصمیم می‌گیرد با ماموران آمریکایی همکاری کند، چرا که عوامل شوروی یکی از دوستان او را کشته‌اند. امروز با دیدن دوباره فیلم‌هایی مانند این ممکن است فکر کنیم موضوع جنگ سرد چندان هم برای هالیوود جدی نبوده است و تنها از مصالح داستانی این موضوع باب روز استفاده شده است تا فیلم‌ها فروش بیشتری داشته باشند.

حمله بیگانگان فضایی خطر دیگری بود که در آن دوران جامعه آمریکا و به زعم آنها تمام جهان را تهدید می‌کرد. دو ابرقدرت بر سر پیشرفت در تکنولوژی ماهواره و تسلط هرچه زودتر بر فضا و سفر به ماه رقابت سختی داشتند. بیگانگان فضایی که می‌توانستند استعاره‌ای از بیگانگان زمینی (کمونیست‌ها) باشند، از ابتدای دهه پنجاه و همزمان با فیلم‌های سیاسی جنگ سرد سروکله‌شان در هالیوود پیدا شد. با فراگیر شدن تلویزیون در دهه ۱۹۶۰ چندین سریال تلویزیونی نیز ساخته شد که به حمله بیگانگان فضایی می‌پرداخت. بیگانگان فضایی در هالیوود به سه صورت نشان داده می‌شدند: در بیشتر فیلم‌ها بد، در معدودی از فیلم‌ها خوب و در برخی از فیلم‌ها بی‌نهایت شر و شیطانی بودند.

با فرارسیدن دهه ۱۹۸۰ و عصر رونالد ریگان و مارگارت تاچر و عملیات جنگ ستارگان و سیستم دفاع فضایی آمریکا موضوع بیگانگان در هالیوود نیز جان تازه‌ای می‌گیرد و بهترین فیلم‌های این ژانر در دهه‌های هشتاد و نود ساخته می‌شود. در اواخر دهه هشتاد و با ظهور «میخائیل گورباچف» و دوران اصلاحات او جنگ سرد به پایان می‌رسد، دیوار برلین فرو می‌ریزد و شوروی سابق تجزیه می‌شود و کاپیتالیسم غرب موفق می‌شود کمونیسم شرقی را از میدان اصلی بدر کند. اما آمریکا هنوز رقبای دیگری دارد و مساله بیگانه‌های فضایی همچنان بر جای خود می‌ماند.

تصویر مثبت یا منفی بیگانگان فرازمینی در برخی از مهم‌ترین فیلم‌های علمی-تخیلی که از دهه پنجاه تاکنون ساخته شده‌اند و سیر تحولات این ژانر تا اندازه‌ای بیانگر تحولات سیاسی و اجتماعی پنجاه، شصت سال اخیر در غرب و شرق است. در اینجا نگاهی به چند فیلم شاخص این ژانر در مورد تقابل انسان‌ها و بیگانگان می‌اندازیم.

روزی که زمین ایستاد، ۱۹۵۱ (بیگانه: خوب)

بیگانه‌ای که برای دیدن زمین آمده است در واشنگتن فرود می‌آید. در این سیاره پر خشونت به گرمی و میهمان‌نوازی با او برخورد می‌شود. بیگانه قبل از ترک زمین به مردم زمین درباره سلاح‌های هسته‌ای‌شان هشدار می‌دهد: «به ما ربطی ندارد که چطور سیاره‌تان را مدیریت می‌کنید، اما اگر به گسترش خشونت ادامه دهید زمین تبدیل به ذغال برافروخته‌ای خواهد شد». اشاره بیگانه فیلم به مساله خشونت جالب توجه است. آیا در ۶۰ سالی که از ساخته شدن آن فیلم گذشته، چیزی در زمین تغییر کرده است؟

جنگ دنیاها، ۱۹۵۳ (بیگانگان: بد)

بیگانگان تلاش می‌کنند زمین را نابود کنند اما می‌فهمند که سیستم ایمنی بدنشان نمی‌تواند با ویروس‌های زمینی مقابله کند.

هجوم ربایندگان جسد، ۱۹۵۶ (بیگانگان: بد)

بیگانه‌هایی بی عاطفه، مخفیانه سعی در انقراض نسل بشر و جایگزین کردن خود در قالب آنها دارند. این فیلم کلاسیک دان سیگل بعدا نیز چندین بار در دهه ۱۹۷۰ و اوایل قرن بیست و یکم بازسازی شد.

بیگانگان فضایی که می‌توانستند استعاره‌ای از بیگانگان زمینی باشند، از ابتدای دهه پنجاه و همزمان با فیلم‌های سیاسی جنگ سرد سروکله‌شان در هالیوود پیدا شد

منطقه گرگ و میش، ۱۹۶۵ (بیگانگان: خوب و بد)

سریال تلویزیونی مشهوری که داستان‌های پر آب و تابی داشت. در یکی از داستان‌ها بیگانگان کتابی به اسم «چگونه به بشر خدمت کنیم» روی زمین جا می‌گذارند. مردم زمین وقتی بالاخره کتاب را ترجمه می‌کنند که دیگر دیر شده است: کتاب درباره آشپزی بود!

۲۰۰۱: اودیسه فضایی، ۱۹۶۸ (بیگانه: خوب)

فیلم برجسته‌ای که هنوز گفتنی‌های بسیار دارد. سفری در تاریخ تکامل طبیعت و بشر و زمان. بشر جسمی مصنوعی را کشف می‌کند که روی ماه گذاشته شده است. سفر به فضا و بی‌نهایت در این فیلم بزرگ تحقق می‌یابد.

پیشتازان فضا (Star Trek)، ۱۹۶۸، (بیگانگان: هم خوب هم بد)

ماجرای سفینه‌ای که مجهز به مواد فرا-ماده است و می‌تواند بیشتر از سرعت نور حرکت کند. ناخدا جیمز و همراهانش با این سفینه به ماموریتی پنج ساله فرستاده می‌شوند تا دنیاهای ناشناخته را کشف کنند و با فرازمینی‌ها ارتباط برقرار کنند. نخستین فصل آن بین سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ ساخته شد. این سریال در آمریکا و بسیاری کشورهای دیگر، از جمله ایران، به نمایش درآمد و لقب موفق‌ترین مجموعه تلویزیونی تمام دوران‌ها را به خود اختصاص داد. نام آن اسطوره‌ای در ژانر علمی-تخیلی است.

برخورد نزدیک از نوع سوم، ۱۹۷۷ (بیگانگان: خوب)

فیلم شگفت‌انگیز اسپیلبرگ درجوانی که تحولی در ژانر ایجاد کرد. هواپیمایی جنگی که در سال ۱۹۴۵ ناپدید شده است دوباره در بیابان‌های سونورا پیدا می‌شود. از یک کارشناس بشقاب پرنده‌ها می‌خواهند که موضوع را پیگیری کند. اتفاق‌های عجیبی در تمام زمین روی می‌دهد. می‌کوشد آنها را به روش دانشمندان با وجود زندگی فرازمینی پیوند دهد که از این راه در پی تماس با آدمیان است. همزمان در دهکده‌ای در ایندیانا، یک کارشناس اداره برق به اسم «روی» بشقاب پرنده‌ای را می‌بیند. چند کیلومتر دورتر، بشقاب پرنده‌ای کودکی را برابر چشمان شگفت زده و هراسان مادرش، «جیلیان» می‌رباید. ماموران می‌کوشند از انتشار خبرها جلوگیری کنند. روی و جیلیان به مکانی می‌روند که می‌توان با بشقاب پرنده و موجودات فضایی برخورد نزدیک داشت.

جنگ ستارگان، ۱۹۷۷ (بیگانگان: خوب و بد)

حماسه بی‌نظیر علمی-تخیلی که در کنار اودیسه کوبریک قرار می‌گیرد. شش‌گانه به یاد ماندنی جورج لوکاس که در مدتی نزدیک به سه دهه تکمیل شد، جای پای خود را در فرهنگ عامه بسیار محکم کرده و تبدیل به یک پدیده فرهنگی قرن بیستم و پس از آن شده است.

بیگانه، ۱۹۷۹ (بیگانگان: بد)

بیگانگان بدی که از دهانشان اسید به بیرون می‌پاشند و از بدن انسان برای تولید مثل خودشان استفاده می‌کنند. «بیگانه» هم فیلمی بود که ژانر را تکان اساسی داد و مفاهیم تازه‌ای را وارد کرد.

ای تی موجود فرازمینی، ۱۹۸۲ (بیگانگان: خوب)

تلاش کودکان زمینی برای نجات بچه بیگانه‌ای که در زمین راه گم کرده است و شگفتی‌هایی که آنان در همراهی با وی تجربه می‌کنند، در این اثر اسپیلبرگ به نمادی از تفاهم و پذیرش تکثر تبدیل شد.

مرد ستاره‌ای، ۱۹۸۴ (بیگانه: خوب)

جف بریجز، بیگانه‌ای بی پناه و خوش قلب، در این اثر جان کارپنتر به قالب یک انسان فرو می‌رود تا در اولین فرصت خود را به سیاره‌اش برساند، در حالیکه دولت آمریکا در پی شکار اوست. جان کارپنتر در دو فیلم دیگرش در مورد بیگانگان که قبل و بعد از این فیلم ساخت («چیز» و «زنده هستند») به سویه تهدید آمیز و هراس آور این موجودات پرداخت.

تماس، ۱۹۹۷ (بیگانه‌ها: خوب)

در این اثر رابرت زمکیس بر اساس داستانی از کارل ساگان، جست و جوی بیگانه‌ها به مفهومی معنوی بدل می‌شود.

مردان سیاه‌پوش، ۱۹۹۷ (بیگانگان: خوب و بد)

اکشن کمدی ویل اسمیت و تامی لی جونز مرز میان انسان و بیگانه و حتی انواع جانوران را از بین می‌برد. این بیگانه‌ها ممکن است در هر قالبی باشند و هر خلق و خویی که بتوانید تصور کنید را داشته باشند.

کی-پکس، ۲۰۰۱ (بیگانه: خوب)

ظاهرا کوین اسپیسی، با خصوصیاتی دوست داشتنی که تماشاگر را به یاد جف بریجز مرد ستاره‌ای می‌اندازد، دیوانه‌ای است که ادعا می‌کند یک بیگانه فضایی است. اما آیا ادعای او واقعیت ندارد؟

ناحیه شماره ۹، ۲۰۰۹ (بیگانگان: خوب و بد)

یکی از ۱۰ نامزد اسکار بهترین فیلم سال ۲۰۱۰، بیگانه‌ها را در پناهگاهی در آفریقای جنوبی اسکان می‌دهد. خصوصیات آنها در مجموع چندان دور از ویژگی‌های انسان نیست. بیگانگان فضایی هم دلمشغولی‌های خودشان را دارند، در مقابل سختگیری‌ها مقاومت می‌کنند و شورش آنها ممکن است عواقب وخیمی در پی داشته باشد.

آواتار، ۲۰۰۹ (بیگانگان: خوب)

نامزد دیگر اسکار ۲۰۱۰، بیگانه‌های فضایی را در جای «وحشی‌های نجیب» و «سرخپوست‌های قربانی استعمار» می‌نشاند و انسان مشخصا سفیدپوست آمریکایی را در مقام غارتگر و مخرب به نمایش می‌گذارد. ژانر علمی-تخیلی در این اثر به وسترن‌های بشردوستانه حامی سرخپوستان و ارزش‌ها و معنویت و فرهنگ آنها نزدیک می‌شود.

و ماجراهای بیگانگان به پایان نرسید و به پایان نخواهد رسید...

«نبرد: لس آنجلس» که همین روزها روی پرده رفته، بازگشتی است به سنت مبارزه با بیگانه‌های نابودگر زمین که از «جنگ دنیاها» تا «سربازان کشتی فضایی» و «روز استقلال» تداوم داشته است. در اکران یکی، دو سال گذشته تهاجم اشکار یا پنهان بیگانه‌های متخاصم در فیلم‌هایی مانند «مزرعه شبدر»، «هیولاها» و «مه» ادامه یافت و برخورد توأم با مدارا عمدتا در فیلم‌های انیمیشنی مانند «مگامایند» و «مریخ به مادران نیاز دارد» پی گرفته شد. قرار است چندین پروژه سینمایی دیگر با این مضمون به زودی روانه پرده سینما شوند: «کابوی‌ها و بیگانه ها» که در تابستان آینده اکران می‌شود، با حضور دنیل کریگ و هریسون فورد، ژانرهای وسترن و علمی-تخیلی را بیش از پیش در هم می‌آمیزد و همزمان با این فیلم، احتمالا «پروژه سری بیگانه ها» ساخته مایکل بی، کمدی «پل» با مضمون بیگانه‌های مخفی شده در کره زمین و «تاریکترین ساعت» با موضوع حمله بیگانه‌ها به چند گردشگر اکران می‌شود. «بیگانه ۵»، «منطقه ۵۱»، «غارتگران ۲»، «آواتار ۲»، «سفینه جنگی»، «مزرعه‌شبدر ۲» و «ناحیه شماره ۱۰» نیز در میان آثار در دست تولید این روزها هستند و تا یکی، دو سال دیگر بیگانگان فضایی را بر پرده سینما زنده می‌کنند.

غارتگران (۲۰۱۰)

هجوم ربایندگان جسد (۱۹۷۸)

جنگ دنیاها (۲۰۰۵)

تازه چه خبر دکتر جون؟

شوارتزنگر باز می‌گردد

■ دوران فرمانداری کالیفرنیا به پایان رسیده و قهرمان بدنسازی اسبق و قهرمان فیلم‌های اکشن سابق که یک دهه پیش از صحنه کنار رفته بود اما همیشه شعارش این بود که «من برمی‌گردم»، می‌خواهد به وعده‌اش عمل کند. آرنولد شوارتزنگر اخیرا در مصاحبه‌ای گفته که مشغول بررسی ۱۵ فیلمنامه است و بارزترین آنها هم یک «ترمیناتور» دیگر، بازسازی «غارتگر» و «مرد دونده» است. وی توضیح داده که «البته خیلی از فیلمنامه‌های اورژینال هم هست. اما من این روزها روی یک شخصیتی از کتاب‌های مصور هم کار می‌کنم. تا آخر مارس یا اوایل آوریل اعلام می‌کنم که در کدامشان بازی می‌کنم». ماه گذشته صحبت از بازی او در نقش یک سرباز آلمانی بود که در پایان جنگ جهانی دوم دستور کشتن چند کودک را به او داده‌اند. این فیلمنامه را رندال والاس (نویسنده «شجاع دل» و «ما سرباز بودیم») نوشته است. باید یک ماه صبر کنیم تا ببینیم بالاخره آقای نابودگر دستور کشتن چه کسی را می‌گیرد.

نکاتی در مورد «بلید رانر» جدید

■ ظاهرا سه تهیه‌کننده به نام‌های اندرو کوزف، برودریک جانسن و باد یورکین پروژه سینمایی «بلید رانر» تازه را در دست گرفته‌اند و شرکت آلکن اینترتینمنت سرمایه‌گذار آن شده است. در خبرها آمده است که این تهیه‌کنندگان قول داده‌اند که فیلم کلاسیک «بلید رانر» (ریدلی اسکات، ۱۹۸۲) را «نابود نکنند». همچنین کوزف ضمن مصاحبه‌ای گفته که امیدوار است از حمایت و یاری ریدلی اسکات که «یکی از بزرگ‌ترین کارگردانان زنده و از بزرگ‌ترین کارگردان‌های تاریخ است»، بهره مند شود. تهیه‌کنندگان مشخص نکرده‌اند که داستان این فیلم قبل یا بعد از وقایع نسخه اصلی اتفاق می‌افتد، به نظر می‌رسد فیلمنامه کاملی در دست ندارند و بین کریستوفر نولان و ریدلی اسکات مردد ند. «مطمئنا ما قصد بازسازی نسخه اصلی را نداریم و حق قانونی بازسازی را دریافت نکرده‌ایم... . فکر می‌کنم روش کریستوفر نولان برای ساختن بتمن دقیقا همان چیزی است که ما می‌خواهیم، چه کارگردانش ریدلی اسکات باشد که باز گردد و به ما بپیوندد، چه هر کس دیگری باشد.»

دیوار خانه دنیرو نقاشی می‌شود

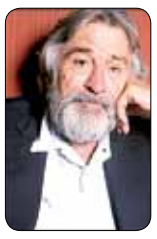

■ با توجه به اظهارات اخیر رابرت دنیرو به نظر می‌رسد که شایعات دو سال و اندی پیش در مورد پروژه سینمایی مارتین اسکورسیزی در حال به تحقق پیوستن است. در پاییز ۲۰۰۸ شایعه‌ای وجود داشت مبنی بر اینکه مارتین اسکورسیزی قصد دارد کتاب «شنیده‌ام که دیوار خانه‌ها را نقاشی می‌کنی» چارلز بانت را با بازی دنیرو، پاچینو و جو پشی به فیلم برگرداند. هفته گذشته دنیرو در جریان گفت‌وگویی تبلیغی برای فیلم تازه‌اش با عنوان «بدون محدودیت» گفت: فیلمی هست به اسم «شنیده‌ام دیوار خانه‌ها را نقاشی می‌کنی». درباره مردی است که گفته می‌شود مرده و اعتراف کرده که جیمی هافا و همینطور جو گالو را کشته است. من نقش این شخصیت را بازی می‌کنم، جو پشی و آل پاچینو هم دارند می‌آیند و مارتی هم کارگردانی می‌کند.»

فرانکو و بلنچت دیگر جوان نیستند

■ قرار بود در فیلم تازه نوآه بومباک (کارگردان «مارگو در عروسی») که «وقتی جوان بودیم» نام دارد، کیت بلنچت و بن استیلر نقش زوج پا به سن گذاشته‌ای را بازی کنند که یک زوج جوان (با بازی جیمز فرانکو و هنرپیشه زنی که هنوز معلوم نشده کیست) معنای تازه‌ای به زندگی آنها می‌دهند. اما هفته پیش ناگهان بلنچت و فرانکو قرار و مدارها را زیر پا گذاشتند و از پروژه بیرون آمدند و حالا فقط استیلر برای بومباک مانده است. فکر نکنید علت این کناره‌گیری خرده برده‌های شخصی بوده، بلکه مثل همیشه پای پول در میان است: فرانکو پروژه چرب و نرم‌تر «اُز: بزرگ و قدرتمند» سام ریمی و استودیوی دیزنی را ترجیح داده و بلنچت هم به دنبال نقش گالادریل در فیلم «هابیت» پیتر جکسن رفته است و معلوم است که دیگر کسی وقت و حوصله بازی در یک فیلم مستقل را ندارد.